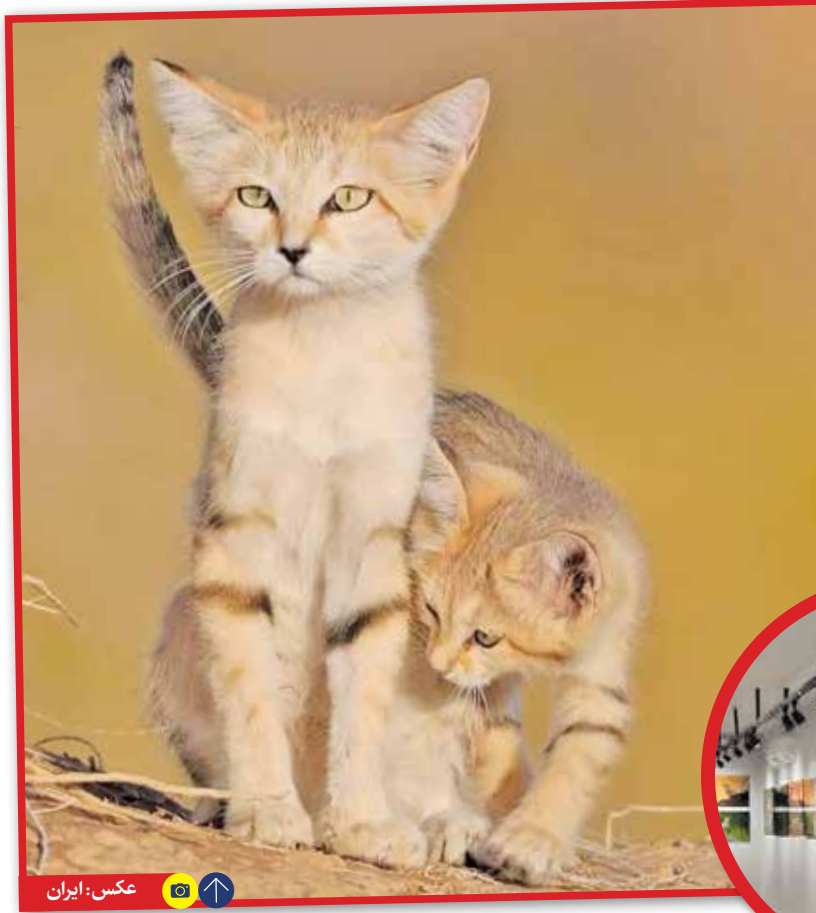


روایت اتفاقی نادر و زیبا در وحشی ترین نقطه طبیعت ایران

گره شنی بچه‌هایش را به شکارچی سپرد!



آیدین رزاقی / گره شنی خجالتی ترین حیوان روی زمین است. یک گره شنی در خراسان جنوبی در اقدامی نادر، وقتی قصد داشت برای شکار طعمه برود، توله های خود را به یک عکاس طبیعت سپرد! جزئیات این دوستی یکی از عجیب‌ترین روایت‌های طبیعت است که در ادامه می‌خوانید.



عکس: ایران

خطر افزایش آتش‌نشانی تهران هشدار داد خطر افزایش آتش‌سوزی در اطراف تهران

خطر آتش‌سوزی‌ها در اطراف تهران در ماه‌های اخیر افزایش یافته است و به نظر می‌رسد باید مسئولان چاره‌اندیشی کنند. بارش‌های نسبتاً مطلوب در ماه‌های پایانی سال گذشته باعث افزایش رشد گیاهان چند ماهه در مناطق طبیعی اطراف تهران شده است و این امر می‌تواند احتمال وقوع آتش‌سوزی در عرصه‌های طبیعی اطراف شهر تهران را افزایش دهد. همه ساله با آغاز بهار متأسفانه گزارشات متعددی از عرصه‌های طبیعی در اقصی نقاط کشور به گوش می‌رسد که در آن وسعت قابل توجهی از عرصه‌های طبیعی دچار حریق می‌شوند. این امر در زمین‌های کشاورزی و عرصه‌های طبیعی اطراف شهر تهران نیز بارها به وقوع پیوسته و عامل نگرانی طبیعت‌دوستان و حتی کوهنوردان و گردشگران شده است. در این باره جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران، تصریح کرد: با توجه به وضعیت مناسب بارندگی‌ها در پاییز و زمستان سال گذشته در استان تهران و رویش خوب غلغزارها و گیاهان چندماهه در اراضی طبیعی اطراف تهران احتمال افزایش آتش‌سوزی‌ها در مراتع اطراف تهران وجود دارد. وی با اشاره به اینکه عامل بخش قابل توجهی از این آتش‌سوزی‌ها انسانی است، بیان کرد: وقتی وارد روزهای گرم سال می‌شویم احتمال وقوع آتش‌سوزی در این مناطق افزایش می‌یابد. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران ادامه داد: در برخی موارد نیز این آتش‌سوزی‌ها در زمین‌های کشاورزی اطراف تهران انجام می‌گیرد که اغلب آنها توسط کشاورزان و یا هدف پاکسازی سریع زمین و تبدیل به کود شدن علوفه‌های سوخته شده انجام می‌گیرد.

کنم و لحظات زیبای حضور او و توله‌هایش را ثبت کنم دیدم که توله‌هایش را به دندان گرفته و به سمت من حرکت می‌کنند. عکاس موسوی، عکاس حیات وحش و راوی لحظات زیبای طبیعت ایران زمین می‌گوید: من ابتدا فکر کردم که او در حال فرار از خطری است که از سمت بعد از چند ساعت با یک شکار به آشیانه برگشت و برای شکار در اطراف آتش‌سوزی می‌کرد اما بعد متوجه شدم که توله‌های خود را برای داشتن ساعتی امن در حال سپردن به من است. این عکاس سرشناس ایرانی گفت: مادر این توله‌ها بعد از چند ساعت با یک شکار به آشیانه برگشت و توله‌هایش هم به او ملحق شدند و من در این لحظه فهمیدم که او از جانب من احساس امنیت کرده است و من که برای شکار تصاویر و لحظات زیبای حضور او و چند گونه دیگر به آنجا سفر کرده بودم توانستم به خوبی این حس امنیت را به او منتقل کنم و بدون اینکه خللی در روند زیست طبیعی او به وجود بیاورم

سرقت به خاطر عشق آتشین



علی چاهو / ۵ سارق حرفه‌ای که ۴۰ خانه در تهران را هدف سرقت قرار داده بودند در عملیات پلیس آگاهی تهران دستگیر شدند. خالی کردن چند خانه توسط یک باند ۵ نفره از سارقین به روش‌های مشابه حاکی از سرقت سرریالی خانه‌ها بود. همین مسأله باعث شد تا موضوع پیگیری به این پرونده در دستور کار تیمی زنده از کارآگاهان اداره هفدهم پلیس آگاهی قرار بگیرد. این افراد بعد از تاریکی آسمان و در ساعت‌های مختلف شب از طریق پنجره روسی یا به شکل تویی زنی به خانه‌ها وارد شده و به سرقت طلا، ارز و اشیای قیمتی دست می‌زدند. در نهایت نیز با انجام یک عملیات همزمان در تهران و یک عملیات در یکی از استان‌های غرب کشور تمام اعضای این باند دستگیر شدند. از این سارقین نیم کیلو طلا، مقدار قابل توجهی ارز و سایر اشیای قیمتی کشف شده است. مجید که یکی از اعضای کلیدی این باند است می‌گوید: سابقه سرقت دارم اما مدت‌ها بود که دست به هیچ



سرقتی زنده بودم و کارم در ساختن‌ها جوشکاری است. متأسفانه ماه‌ها قبل بعد از اینکه برای ازدواج با دختری اقدام کرده و نامزد شدید کار ساخت و ساز خوابید و مجبور شدم تا دوباره دست به دزدی بزنم. او ادامه می‌دهد: «من از این وضعیتی که در آن قرار گرفته‌ام، راضی نیستم و فکر کنم که نامزدم نیز از این اتفاق ناخبر شده است. حالا بدون شک او را از دست خواهم داد. بماند که در این ۸ سرقت خانه‌ای که ما انجام دادیم، تنها ۱۵۰ میلیون تومان نصیب شد. مجید درباره چگونگی ورودشان به خانه‌ها می‌گوید: در خیابان می‌چرخیدیم و وقتی چراغ خانه‌های خاموش بود یا از طریق پنجره و بالکن و یا از طریق تخریب ارز و ورودی به خانه‌ها وارد می‌شدیم و تمام خانه را در جست و جوی طلا، ارز و اشیای قیمتی می‌گشتیم. این فرد در پایان خاطرنشان می‌کند: پیشنهاد من به مردم این است که اگر می‌خواهند خانه‌هایشان از دست امثال من در امان بمانند حتماً به غیر از استفاده از نکات ایمنی در خانه‌هایشان از دزدگیر نیز استفاده کنند.

قتل آتشین پسرک در هلهله عروسی روستا

فاطمه شیخ علیزاده / در هلهله عروسی روستا هیچ کس نمی‌دانست پسرچه‌ای در چند قدمی آنها سرنوشت دردناکی دارد. مادر و پدر پسرک غرق در شادی وارد داشتند جگر گوشه شان برای همیشه آنها را تنها خواهد گذاشت. ۲۶ اسفندماه سال گذشته، درست در روزی که تکاپوی رسیدن سال نو در دل شهر موج می‌زد؛ جنایت هولناکی زیر پوست هیرمند خرید. جسد پسرچه ۵ ساله‌ای به نام حسام با دست و پای بسته داخل یک کونی در حالی در میان زباله‌ها کشف شد که عامل جنایت، جسد را به آتش کشیده بود. به گزارش خبرنگار حوادث روزنامه ایران، شهر دوست محمد مرکز شهرستان هیرمند است که شهری قدیمی است با قدمت دیرین. روستای رسول غلام از توابع شهر دوست محمد است. درست در همین نقطه کوچک از جهان، جنایت فجیعی رقم خورده که قلب تمام اهالی چنگ می‌زند. یکی از اهالی روستای همجواری محل زندگی حسام در توضیح این حادثه به خبرنگار ایران گفت: «بسی که جنایت رخ داد، مراسم عروسی یکی از اهالی روستا بود و همه دعوت بودند. حسام ۵ ساله مثل همیشه به آغوش عمومی جوشش به نام (ن.ب) چسبیده بود و از کنارش جنب نمی‌خورد. عشق و علاقه عمو به پسر شیرین برادرزاده زبانه زد و همه می‌دانستند که حسام چه دل‌سنجی و علاقه‌ای به عمویش دارد». آخر شب بود و عمو حسام می‌خواست زودتر از بقیه به خانه‌شان برود. حسام هم با او راهی خانه شد. هیچ کس فکرش را هم نمی‌کرد عمو حسام در سکوت خانه بعد از مصرف مخدر شیشه، چنین جنایت هولناکی رقم بزند. وقتی خانواده حسام به خانه‌شان برگشتند، خبری از پسرچه نبود. خانه‌شان نزدیک خانه عمو بود و لایذ گمان می‌کردند که پسرک جایی در میان کوچه پس کوچه‌ها مشغول شیطنت بازی باشد. اما ساعتی بعد یکی از اهالی گونی سنگینی در میان زباله‌ها دید که نقرش را جلب کرد. جسد سوخته حسام با دست و پای بسته در کونی بود. با کشف جسد سوخته این پسرچه رسیدگی به پرونده قتل در دستور کار مأموران قضایی و انتظامی استان سیستان و بلوچستان قرار گرفت. حسام نشانه رفته بود و در کمتر از یک ساعت او به قتل حسام و آتش‌زدن جسدش با همدستی دو دوست خود اعتراف کرد. سردار دوستعلی جلیلیان فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان در گفت‌وگو با خبرنگار ایران در توضیح جزئیات این خبر گفت: «یکی از اهالی روستا با دنبال کردن رد خون، به محل جسد پسرچه ۵ ساله رسیده بود. بعد از کشف جسد، متهم ۴۵ ساله شناسایی و دستگیر شد و مشخص شد تحت تأثیر مصرف مواد مخدر اقدام به جنایت کرده است. او در حین مصرف مواد مخدر در خانه نیمه ساخته بود، ناگهان با یک تکه کاشی بریده ضربه به سر کودک زد که منجر به بریده شدن قسمتی از گوش او شد. سپس با ضربات جسم تیز و برنده کودک را به قتل رساند.» متهم بعد از قتل هولناک حسام را دو رفیق خود برای اختفای جسد کمک گرفته بود که در حال حاضر هر ۳ نفر بازداشت هستند. رسیدگی به پرونده اتهامی متهمان در دستور کار قضایی قرار دارد.



قتل خونین، پایان رالی شبانه در خیابان‌های تبریز

کلاس سوم راهنمایی درس خواندم. نه، اما مشروبات الکلی زیاد مصرف می‌کنم و اولین بار که با پیشنهاد دوستانم به سراغ مشروبات الکلی رفتم ۱۲ ساله بودم. خانوادها خبر دارند؟ یک برادر دارم که ۲ سال از من بزرگتر است که از یک سال قبل او نیز به صورت تقریبی مشروبات الکلی مصرف می‌کند و همراه پدرم کارگری می‌کند. روز حادثه چه اتفاقی افتاد؟ ساعت ۲۰ چهارشنبه بود که من در قهوه‌خانه نزدیکی خانه‌مان نشسته بودم که یکی از دوستانم به من زنگ زد و به سراغ آمد و با هم شروع به خوردن مشروبات الکلی کردیم و چند ساعتی در خیابان در حال پرسه‌زنی بودیم که ناگهان یک خودروی پرشیا با سرعت بالا از کنار ما عبور کرد و دوستانم که پشت فرمان خودرو بودند پای پدال گاز گذاشت و از کنار خودروی پرشیا عبور کرد که راننده پرشیا پیشنهاد کورس خیابانی را داد و دوستانم نیز قبول کرد.



مقصود مسابقه کجا بود؟ بار اول مقصد روبه‌روی بیمارستان عالی نسب بود که در مسابقه اول خودروی پرشیا برنده شد و آنها پس از پیروزی خیلی خوشحال بودند. سرنشیمان خودرو شروع به تعریف کردن از خود رویشان کردند و پرشیا را با نام سالار معرفی کردند که در این مرحله دوستانم پیشنهاد داد دوباره مسابقه دهیم که مقصد میدان آذربایجان بود و این بار برنده رالی خیابانی ما بودیم. چه کسی دعوا را شروع کرد؟ وقتی آنها شکست خوردند از راه فرعی جایگاه CNG دور زدند و جلوی راه ما را بستند و درگیری بین ما بالا گرفت و من نیز که بخاطر مصرف مشروبات الکلی در حالت عادی نبودم وقتی یک ضربه به سرم خورد، جاقو را از جیبم بیرون کشیده و کاری که نباید صورت می‌گرفت رخ داد. آنها را می‌شناختی؟ نه اصلاً آنها را نمی‌شناختم و نمی‌دانستم علاقه‌ای به درس نداشتیم و با اصرار خانوادها ما

راز مرگ استاد دانشگاه در جنایت عاشقانه

زن و مرد جوان که در جنایت عاشقانه استاد دانشگاه را به قتل رسانده بودند به دام افتادند. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۲۴ آذر ماه سال گذشته من میانسال با مراجعه به پلیس آگاهی ناپدید شدن ناگهانی پسر جوانش را که استاد دانشگاه و ورزشکار بود، اعلام کرد. در حالی که تحقیقات پلیسی برای یافتن ردی از این مرد به نام کاوه ادامه داشت، زن جوانی با پلیس تماس گرفت و پرده از راز جنایت برداشت و گفت: «چند روز قبل دوستم به نام ترانه با من تماس گرفت و از من خواست با هم به کوچه برویم. من هم قبول کردم و با هم به ارتفاعات شمال تهران رفتیم. اما او با مردی غریبه آمده بود و شوهرش کاوه همراهش نبود. در آنجا از من خواستند با کاوه تماس بگیرم و به پنهان‌های کاوه را به آنجا بکشانم. می‌گفتند به خاطر اینکه کاوه مهرش را از دست می‌کند می‌خواهند او را گوشمالی دهند اما